

ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی ج.ا. ایران (۲۰۱۷-۲۰۱۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۹
 تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۲۶

ابوالفضل بازرگان*
 حسین پوراحمدی میبیدی**

چکیده

با گذشت بیش از شش سال از شروع بحران سوریه و مبدل شدن بحران مذکور به یک فاجعه حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی، افکار عمومی جهان و سیاست خارجی اغلب قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متوجه این بحران شده است. جمهوری اسلامی ایران که سوریه را عمق استراتژیک خود در منطقه می‌داند، در طول این سال‌ها در حمایت از دولت سوریه با چالش‌ها و انتقادات گسترده‌ای در سطوح داخلی و خارجی مواجه شده است، اما کماکان از مواضع خود در بحران مذکور عقب‌نشینی نمی‌کند. بدین ترتیب، با توجه به واقعیات جاری در تحولات خاورمیانه امروزی، بررسی رفتار بازیگر دولتی جمهوری اسلامی در بحران سوریه با تبیین رویکرد نظری نواقع‌گرایی و پاسخ به این سؤال که «چرا جمهوری اسلامی ایران برای روابط با سوریه و حضور در بحران این کشور اهمیت خاص استراتژیک قائل است؟»، از اهداف اصلی این پژوهش به حساب می‌آید. درک پیامدهای منطقه‌ای حمایت ایران از سوریه در خاورمیانه و همچنین تبیین این مسئله که آیا رفتار ایران در بحران سوریه بر اساس اصول روابط بین‌الملل و نظام امنیتی خاورمیانه است یا خیر، از دیگر اهداف این تحقیق محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر برای دستیابی به یک پاسخ جامع و کامل، با در نظر گرفتن دیدگاه‌های مخالف و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در سوریه، به بررسی عوامل ژئوپلیتیک و استراتژیک در قالب نظریه نواقع‌گرایی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، امنیت منطقه‌ای، عمق استراتژیک، منافع ملی، امنیت

ملی، خاورمیانه.

*کارشناسی
 ارشد مطالعات
 خاورمیانه،
 دانشکده علوم
 اقتصادی و
 سیاسی، دانشگاه
 شهید بهشتی،
 تهران (نویسنده
 مسئول).

abolfazlbazargan70
 @gmail.com

**استاد تمام روابط
 بین‌الملل، دانشکده
 علوم اقتصادی و
 سیاسی، دانشگاه
 شهید بهشتی، تهران.

h-pourahmadi
 @sbu.ac.ir

مقدمه

جمهوری اسلامی همانند هر بازیگر دولتی در عرصه روابط بین الملل، برای حفظ منافع و امنیت کشورش ناچار به اتخاذ سیاست خارجی به خصوصی در منطقه حیات خود، خاورمیانه است. در شرایط دائماً بحران‌زا و پرتنش خاورمیانه، تنها متحد دولتی ج.ا.ایران در منطقه سوریه بوده است. این کشور که از ابتدای انقلاب اسلامی روابط راهبردی با جمهوری اسلامی داشته است، پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر نیز، قرار گرفتن دول ایران و سوریه در لیست کشورهای یاغی و حامی تروریسم توسط ریاست جمهوری وقت آمریکا، عامل نزدیکی بیشتر این دو کشور برای دفع تهدید مشترک در منطقه و جهان شد (درویشی سه تالانی، ۱۳۹۵: ۷۸). از طرفی، با اشغال افغانستان و عراق توسط آمریکا در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ و سقوط طالبان و صدام حسین، دو دشمن و تهدید مهم ج.ا.ایران در منطقه حذف شدند و با روی کار آمدن دولت‌های جدید در افغانستان و عراق، به‌ویژه دولت شیعی عراق، نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه و همسایگان خود افزایش یافت. ناکامی نسبی اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه لبنان در سال ۲۰۰۶ و جنگ ۲۲ روزه غزه در سال ۲۰۰۸ و هم‌چنین ناتوانی کشورهای عربی در حل بحران سیاسی لبنان و فلسطین، بار دیگر موجب تقویت و گسترش نفوذ ایران در منطقه شد (عباسی، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۶). اما با شروع تحولات اخیر خاورمیانه موسوم به بهار عربی-بیداری اسلامی- به‌ویژه با کشیده شدن تحولات مذکور به سوریه، عقبه محور مقاومت در منطقه‌ی شامات و به دنبال آن موقعیت سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی در خاورمیانه مورد تهدید قرار گرفت (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۲۹ و عباسی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). وضعیت مذکور فرصتی مناسب برای رقیبان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ج.ا.ایران برای تضعیف نقش این کشور در منطقه پیش آورد و بدین ترتیب با دخالت نیروهای خارجی، بحران داخلی سوریه به یک نزاع بین‌المللی در منطقه مبدل گشت.

با این تفاسیل، دغدغه اصلی پژوهش حاضر از آن‌جا نشأت می‌گیرد که با توجه به گذشت بیش از شش سال فرسایشی از جنگ سوریه و پیدایش فجایع حقوق بشری در این کشور (UNICEF, 2016)، انتقادات گسترده‌ای در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از حمایت جمهوری اسلامی از دولت بشار اسد در سوریه شده است و هم‌چنین با وجود فشارها و هزینه‌های سنگین سیاسی و اقتصادی که در این جنگ بر جمهوری اسلامی تحمیل شده است، این کشور کماکان دست از حمایت خود از دولت سوریه برنداشته و به حضور خود در این جنگ ادامه داده است. پژوهش حاضر برای روشن شدن جایگاه واقعی سوریه در سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران در مناسبات خاورمیانه، سعی دارد با در نظر گرفتن دیدگاه‌های مخالف حمایت ایران از دولت سوریه و چالش‌های ایران در این بحران، به یک جمع‌بندی واقع‌گرایانه رسیده و در عین حال، عواقب و پیامدهای حمایت مذکور را در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی کند و نهایتاً مشخص سازد که آیا رفتار ایران در بحران سوریه مطابق با اصول روابط بین‌الملل و نظام امنیتی خاورمیانه در قالب رویکرد نظری نواقع‌گرایی است یا خیر. در این راستا، پس از پرداختن به پیشینه پژوهش و سؤال و فرضیه تحقیق حاضر، به بررسی رویکرد نظری پرداخته و سیاست خارجی جمهوری اسلامی، روابط ایران و سوریه و بحران سوریه را در قالب رویکرد نظری نواقع‌گرایی تبیین کرده و سپس به پیامدهای حمایت ایران از سوریه در نظام منطقه‌ای خاورمیانه پرداخته می‌شود. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی استفاده می‌شود. تمرکز روش مطالعه این پژوهش بر مطالعه سیاست خارجی در بستر مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه است.

۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با روابط ایران و سوریه مطالعات متعددی صورت گرفته است، اما از آنجایی که موضوع بحران سوریه امری نسبتاً متأخر است، تحقیقات علمی کمتری در این باب به چشم می‌خورند، در اینجا به بررسی مختصری به برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

«بحران سوریه و تبلور نظریه واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نوشته مجید عباسی، به اهمیت استراتژیک سوریه در خاورمیانه می‌پردازد و وجود دشمن مشترک بین ایران و سوریه را که همانا اسرائیل است، عامل اتحاد این دو کشور بیان می‌کند. «منافع آشکار و پنهان بازیگران در سوریه»، نوشته علی‌اکبر امینی، سوریه را تنها دولت بازمانده از پان‌عربیسم علیه رژیم اسرائیل می‌شمارد که تاکنون با این رژیم صلح نکرده است. وی علت حمایت ایران از سوریه را علاوه بر وجود دشمن مشترک، اشتراک منافع ایران با روسیه در بحران سوریه می‌داند.

«جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نوشته علی آدمی و مقدم کشاورز، به اهمیت منطقه شامات و پل ارتباطی ایران با گروه‌های مردمی حزب‌الله و حماس می‌پردازد و بیان می‌دارد که لزوم حمایت ایران از دولت سوریه برای حفظ محور مقاومت در منطقه و جلوگیری از افزایش قدرت رقبای ایران در منطقه است.

«علل هم‌گرایی بین ایران و سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی ایران»، نوشته مهدی نطاق

پور و محمدرضا بشارتی، متغیرهای گوناگونی مانند منافع ملی، دشمن مشترک، مسائل فرهنگی و اجتماعی و مسئله صدور نفت و گاز را به‌عنوان علل هم‌گرایی بین دو کشور مورد بررسی قرار داده‌اند و برای روشن شدن تأثیر این هم‌گرایی بر امنیت سیاسی ایران، به واکاوی ابعاد امنیت پرداخته‌اند. «رابطه ایران با سوریه (2003-2013)» نوشته احسان محمدی، شکل‌گیری ترتیبات سیاسی-امنیتی جدید در منطقه خاورمیانه پس از حادثه یازده سپتامبر به‌ویژه حمله آمریکا به عراق و بحران سوریه را در راستای افزایش فشار به سوریه از جانب آمریکا و متحدان غربی و عربی‌اش برای دور شدن از ایران می‌داند.

«جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سوریه» نوشته سید علی نجات، به اهمیت حفاظت از موازنه قوا در منطقه به نفع جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت می‌پردازد. طبق نوشته نویسنده در این مقاله، بحران سوریه توطئه‌ای از طرف محور محافظه‌کار و غرب برای تضعیف و منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران است و دلیل حمایت ایران از بشار اسد را جلوگیری از وقوع این توطئه می‌داند. به مشابه مقاله ذکرشده، «بحران سوریه و مناقشه ژئوپولیتیک قدرت‌های منطقه‌ای» نوشته سید شمس‌الدین صادقی، به همین فرضیه می‌پردازد و رویکرد محور محافظه‌کار شامل کشورهای عربستان سعودی و ترکیه را تهاجمی و برای افزایش قدرت و جایگاه‌شان در منطقه می‌پندارد و رویکرد جمهوری اسلامی ایران را تدافعی مورد بررسی قرار می‌دهد. «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران‌هراسی دولت‌های عربی منطقه» نوشته علی آدمی نیز اتحاد راهبردی جمهوری اسلامی ایران را با سوریه، عکس‌العملی دفاعی در قبال تهدیدات موجود در منطقه برای ایران از ابتدای انقلاب اسلامی می‌داند. وی در این مقاله اذعان می‌کند که دولت‌های منطقه درک نادرستی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارند.

«رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ با مطالعه موردی سوریه و بحرین»، نوشته محمدرضا دهشیری، با رویکردی سازه‌نگارانه به هویت مخالفت‌ها در سوریه می‌پردازد و بیان می‌کند که جمهوری اسلامی ایران برخلاف اصول سیاست خارجی خود مبنی بر مبارزه با مستکبرین و یاری به مستضعفین، به حمایت از دولت سوریه پرداخته است و علت آن را این‌گونه بیان می‌کند که مخالفان بشار اسد اکثریت مردم نیستند، بلکه گروه‌های مسلح همچون القاعده، اخوان‌المسلمین و غیره هستند که از طرف قدرت‌های خارجی حمایت می‌شوند. از طرفی، «گروه‌های تروریستی فعال در سوریه» نوشته مهدی حلفی، به اهمیت حضور داعش و دیگر گروه‌های تروریستی فعال در سوریه پرداخته است و بیان می‌دارد که جمهوری اسلامی برای حفاظت از امنیت ملی خود و برای جلوگیری از حمله احتمالی این

گروه‌ها به خاک ایران باید با آن‌ها در خاک سوریه مبارزه کند. این در حالی است که برخی از این گروه‌ها صرفاً مخالفین مسلح بشار اسد به حساب می‌آیند.

«بررسی مشروعیت حضور نظامی ایران در مخاصمه مسلحانه سوریه»، نوشته شیوا علی محمدی، حضور مستشاری جمهوری اسلامی در بحران سوریه را منوط به دعوت رسمی دولت سوریه و همچنین کمک جمهوری اسلامی به دولت بشار اسد در قالب اصل دفاع مشروع در برابر بازیگران مسلح غیردولتی می‌داند.

«رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه»، نوشته ملک تاج خسروی، حضور ایران در سوریه را در قالب مطالعات منطقه‌ای و نظام امنیتی سیستم منطقه‌ای خاورمیانه بررسی می‌کند و سیاست‌های مذاکراتی ایران را در راستای امتیازگیری برای تثبیت برجام و تنش‌زدایی در منطقه می‌بیند.

«اثرگذاری محور مقاومت بر سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه» نوشته مهدی مطهر نیا، حمایت ایران از سوریه را ضربه زدن به سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه می‌شمارد و مدعی می‌شود که حمایت‌های جمهوری اسلامی از سوریه، هزینه‌های سنگین اقتصادی و نظامی را برای ایالات متحده در برداشته است. در این جا باید پرسید آیا منطقی است که کشوری هزینه‌های سنگین اقتصادی و نظامی برای خود متحمل شود که تنها چنین هزینه‌هایی را برای کشوری دیگر به بار بیاورد؟

«درگیری در سوریه و فرصتی برای کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و تهدید ایران نسبت به جامعه بین‌المللی» نوشته دان. ال. برتل، نویسنده غیرایرانی، ابتدا به بررسی زمینه‌ها و ریشه‌های روابط ایران و سوریه و پس از آن، به موضوع تحولات سوریه و ریشه‌های آن پرداخته است. در نهایت نیز مسئله تأثیر تحولات سوریه بر نفوذ ایران در منطقه و تأمین منافع و اهداف ایران را بررسی کرده است. «محور ایران - سوریه: یک بررسی انتقادی» نوشته جاناتان گلبرت نیز با هدف بررسی رابطه ایران و سوریه، از یک دیدگاه انتقادی به علل همکاری بین ایران و سوریه پرداخته و در نهایت موضوع واگرایی در این رابطه را مورد بررسی قرار داده است.

«نزاع سوریه و سیاست‌های ایران» نوشته رانیا مکارام، پژوهش‌گر ترکیه‌ای، بحران سوریه را خطری برای امنیت ملی و بقای رژیم ترکیه می‌داند و با تأکید بر لزوم حضور کشورش در نزاع سوریه، حضور ایران در بحران سوریه را تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه می‌پندارد.

«تأثیرات بحران سوریه بر اقتصاد ایران» نوشته فاطیما الصمدی، حمایت ایران از سوریه را به شدت به ضرر ایران می‌شمارد و مدعی می‌شود که هزینه‌های سنگین اقتصادی ایران در بحران

سوریه ایران را به رکود اقتصادی موجود در کشور خود کشانده است و وضعیت معیشتی دشواری را برای مردم کشورش به بار آورده است.

«دلیل اصلی حمایت ایران از حقوق بشر در بحران سوریه» نوشته باراک برافی، علت حضور جمهوری اسلامی در سوریه را حفظ حکومت علوی و دنبال کردن اهدافش برای دستیابی به هلال شیعی می‌داند.

«ایران در سوریه: دستور روسیه» نوشته مؤسسه گیت استون انگلستان، حضور ایران در سوریه را به تحریک روسیه برای امتیازگیری هرچه بیشتر این کشور در بحران اکراین و قدرت‌نمایی در مقابل آمریکا در خاورمیانه می‌داند و همچنین مقاله «استراتژی ایران در سوریه» نوشته ویل فولتون، جمهوری اسلامی ایران را به خاطر حمایت‌اش از بشار اسد به‌عنوان دولت ناقض حقوق بشر متهم می‌سازد و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در سوریه را مخرب و بی‌ثبات‌کننده منطقه و به هدف ایجاد تهدید برای اسرائیل عنوان می‌کند.

با بررسی مختصری از سابقه تحقیق، قابل مشاهده است که دوگانگی مشهودی بین دیدگاه‌های مختلف در راستای منطق حضور ایران در بحران سوریه وجود دارد. به‌طور کلی، می‌توان گفت که عده کثیری از نویسندگان و کارشناسان، دلیل و اهمیت این امر را این‌گونه مطرح می‌سازند که سوریه، عمق استراتژیک منطقه‌ای ج. ا. ایران است و اتحاد ایران با سوریه عامل بازدارندگی در قبال تهدیدات منطقه‌ای به‌ویژه در منطقه شامات، در مقابل اسرائیل می‌شود. برخی نیز اهمیت حمایت جمهوری اسلامی از دولت سوریه را به عوامل ایدئولوژیک شیعی نسبت داده‌اند و علت حضور نیروهای ایرانی در سوریه را دفاع از حرمین مقدس شیعه عنوان می‌کنند. برخی دیگر نیز لازمه مبارزه با تروریست‌های تکفیری و داعش را از جمله دلایل برشمرده‌اند؛ اما در مقابل، دیدگاه‌های مخالف، حمایت ج. ا. ایران از دولت سوریه را غیرضروری دیده و حضور ایران در بحران اخیر سوریه را عامل تشدید رقابت‌ها، تنش‌ها و تقویت بی‌ثباتی در منطقه ارزیابی کرده‌اند. آنچه در بررسی پیشینه پژوهش حاضر کمتر به چشم می‌خورد، یک بررسی جامع و کامل از اهمیت سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و منطق حضور ج. ا. ایران در بحران سوریه است. بدان معنا که اهداف، منافع و رفتار جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر در روابط بین‌الملل و نظام منطقه‌ای خاورمیانه با در نظر گرفتن انتقادات، هزینه‌ها و چالش‌های این بازیگر مورد بررسی قرار گیرد.

بدین ترتیب سؤال اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که «آیا سوریه از عمق استراتژیک منطقه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؟» در رسیدن به پاسخی

مناسب دو فرضیه اصلی و رقیب در نظر گرفته شده است. فرضیه اصلی: «بله سوریه به دلیل ایجاد عامل بازدارندگی در قبال تهدیدات موجود و ممکن در خاورمیانه، از عمق استراتژیک منطقه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است.» و در مقابل، فرضیه رقیب: «خیر، از آن جایی که حمایت جمهوری اسلامی از دولت سوریه در بحران اخیر این کشور، عامل ایجاد تحریک در رقابت‌های منطقه‌ای و تشدید تهدیدات در خاورمیانه علیه جمهوری اسلامی ایران می‌شود، سوریه از عمق استراتژیک در سیاست خارجی ج. ا. ایران برخوردار نیست.» علت مطرح کردن این‌گونه سؤال در پژوهش حاضر به دلیل فراهم شدن فضایی برای پرداختن به دیدگاه‌های مخالف و همچنین دستیابی یک جمع‌بندی جامع است.

۲. چارچوب نظری: رویکرد نواقع‌گرایی

با توجه به ساختار دائماً کشمکش‌زا و بحران‌آمیز نظام امنیتی خاورمیانه و در اولویت بودن شکل سنتی امنیت در این منطقه و همچنین با توجه به اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سوریه، دو بازیگر اصلی موضوع پژوهش حاضر به حساب می‌آیند، رویکرد نواقع‌گرایی برای تبیین پدیده‌های این منطقه نسبت به دیگر نظریه‌های روابط بین‌الملل، مناسب به نظر می‌رسد. این رویکرد از آن جایی که به مسائلی چون افکار عمومی، هزینه‌ها و منافع اقتصادی اهمیت چندانی قائل نمی‌شود و هدف اصلی رفتار بازیگران بین‌المللی را تأمین منافع و امنیت می‌داند، برای تبیین پژوهش حاضر مناسب به نظر می‌رسد.

نواقع‌گرایی نظریه‌ای نظام محور است که بر ویژگی‌های ساختار نظام بین‌الملل تأکید دارد. از این دیدگاه، با به کار گرفتن اصول اخلاقی بین‌الملل در مورد سیاست جهانی نمی‌شود ستیزه برای کسب قدرت و امنیت را از میان برداشت (قادری، ۱۳۹۴: ۲۰۲). در واقع‌گرایی ساختاری عواملی چون تفاوت‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، ماهیت نظام سیاسی و همچنین ماهیت دموکراتیک با دیکتاتوری نظام‌های سیاسی، تأثیر اندکی در سیاست خارجی دولت‌ها دارد. کشورها در نظام آنارشیک کارکردی نسبتاً مشابه مبنی بر تأمین امنیت دارند. از دیدگاه نواقع‌گرایی، سیاست خارجی در قالب پیگیری منافع ملی که حدود و دامنه آن بر اساس قدرت تعریف می‌شود مورد توجه قرار می‌گیرد و همچنین سیاست بین‌الملل مانند تمام سیاست‌ها ستیزه‌ای برای دستیابی به قدرت است، سیاست یعنی تلاش برای کسب قدرت، حفظ قدرت و نمایش قدرت. (مورگنتا، ۲۷۳۱: ۷۵). اصل نظام‌بخش در سیاست بین‌الملل که به ساختار نظام بین‌الملل شکل می‌دهد، آنارشی است. نواقع‌گرایان علت مشابه بودن سیاست

خارجی دولت‌های مختلف با ساختارهای سیاسی متفاوت را در ماهیت نظام بین‌الملل و محدودیت‌هایی می‌داند که برای کشورهای مختلف ایجاد می‌کند. آنا‌رشی به معنای بی‌نظمی و هرج‌ومرج بین‌المللی نیست، بلکه به معنای نوعی اصل نظام بخش و تنظیم‌کننده است و توضیح می‌دهد که نظام بین‌الملل از واحدهای سیاسی مستقلی تشکیل شده که فاقد یک اقتدار مرکزی حاکم بر آن است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۴). به اعتقاد مرشایمر، نظریه‌پرداز مهم نواق‌گرای، کشورها در عرصه سیاست خارجی در پی افزایش قدرت نسبی خود در صحنه بین‌المللی هستند. این ماهیت آنا‌رشیک نظام بین‌الملل است که سبب می‌شود دولت‌ها همواره به دنبال بیشینه‌سازی قدرت نسبی خود باشند و در این روند سعی می‌کنند قدرت رقبایشان را کاهش دهند. در نظام بین‌المللی که هیچ اقتدار مافوقی وجود ندارد، همه دولت‌ها در حالت هراس از تهدید دیگر دولت‌ها قرار داشته و بیم آن دارند که بقای آن‌ها در معرض خطر قرارگیرد و به همین دلیل در وضعیت تهاجم بالقوه علیه یکدیگر قرار دارند. لذا از دید او، «میل و خواست بقا موجب پدید آمدن رفتار تهاجمی از سوی دولت‌ها می‌شود» (آدمی و کشاورز، ۱۳۹۳: ۱۹-۱۷).

از دیدگاه نواق‌گرای، آنا‌رشیک بودن نظام بین‌الملل محدودیت‌هایی را بر دولت‌ها اعمال می‌کند که آن‌ها مجبور می‌شوند رفتار خاصی اتخاذ کنند. از آن‌جا که ساختار آنا‌رشیک نظام بین‌الملل مبتنی بر ترس و بی‌اعتمادی، عدم قطعیت و رقابت است، دولت‌ها همواره در پی افزایش قدرت خود هستند. اگر در این نظام، دولت‌ها قدرت خود را افزایش ندهند، دیگر دولت‌ها قدرت خود را به حداکثر می‌رسانند و این امر موجب کاهش امنیت‌شان می‌شود. در بازی با حاصل جمع جبری صفر، افزایش قدرت الف به کاهش قدرت ب می‌انجامد و افزایش امنیت الف کاهش امنیت ب را همراه دارد (هرتز، ۱۹۶۰: ۱۵۷).

از دیدگاه رئالیستی، هر کشوری بر اساس شرایط سیاسی و ژئوپولیتیک خود به قدرت‌سازی مبادرت می‌کند. کشورهایی که دارای مرزهای جغرافیایی گسترده هستند و یا در جوار همسایگان تهدیدکننده قرار دارند، نیاز به توازن قدرت پیدا می‌کنند. بدین ترتیب، یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های مکتب نواق‌گرای، توازن قوا در سطوح منطقه‌ای است. توازن منطقه‌ای به معنای سیاست حفظ وضع موجود است. توازن منطقه‌ای به منزله تلاش سازمان‌یافته برای کنترل قدرت بازیگران در شرایط آنا‌رشی محسوب می‌شود. نظام موازنه منطقه‌ای مبتنی بر تعادل قدرت و کنش‌گری بازیگرانی است که در مورد دست‌یابی به قدرت مازاد یا جایگاه برتر در منطقه هستند. از آن‌جا که هرگاه موازنه قدرت دچار دگرگونی شود، زمینه برای شکل‌گیری منازعه و جنگ به

وجود می‌آید. بسیاری از منازعات کنونی در خاورمیانه را می‌توان انعکاس تغییر در توازن قدرت دانست (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۶-۷).

دولت‌ها درصددند تا از رقبای خود قدرت‌مندتر باشند. دولت‌ها برای افزایش امنیت قدرت خود حتی به قیمت از دست دادن آن توسط رقبایشان می‌کوشند. آن‌ها به دنبال جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و تغییر موازنه قدرت به ضررشان هستند و همواره به دنبال حفظ جایگاه خود در نظام بین‌الملل و منطقه‌ای‌اند. دولت‌ها در این راستا موازنه‌سازی انجام می‌دهند: موازنه‌سازی درون‌گرا و یا برون‌گرا. در موازنه‌سازی درون‌گرا دست به افزایش قدرت و توانایی‌های نظامی و اقتصادی داخلی خود زده در موازنه‌سازی برون‌گرا دست به اتحادسازی و ائتلاف‌های نظامی به مقابله با کشوری که از آن احساس تهدید می‌کنند. از منظر نواقعی‌گرایی، کشورها تنها زمانی می‌توانند اهداف دیگری چون رفاه، آسایش و ثروت را دنبال کنند که به تأمین امنیت و بقا دست یافته باشند. از این دیدگاه، عاقلانه‌ترین راه تأمین بقا و امنیت، موازنه‌سازی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۳۱-۲۴).

شاخص‌های موردنظر پژوهش حاضر از رویکرد نظری نواقعی‌گرایی که در طول پژوهش برای تحلیل مطالب و داده‌ها مورد استفاده قرار خواهند گرفت شامل این موارد می‌شود: ۱. منافع نسبی، ۲. امنیت ملی، ۳. بازدارندگی، ۴. قدرت مداخله‌گر (هژمون)، ۵. موازنه قوا، ۶. موازنه تهدید.

۲-۱. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رویکرد نواقعی‌گرایی

در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اغلب می‌توان از پارادایم نواقعی‌گرایی بهره جست. بر مبنای این پارادایم، مهم‌ترین منفعت و هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تأمین و تضمین بقا و امنیت در نظام بین‌الملل آنارشیک و خودیار است. تأمین بقا و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران برحسب آزادی امنیت در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز ایجاب می‌کند تا جمهوری اسلامی ایران نیز مانند دیگران بازیگران دولتی بین‌الملل، یک سیاست خارجی منفعت‌محور بر پایه پیگیری منافع ملی و امنیت خود تدوین و اجرا کند. آنارشی، خودیاری و عدم اطمینان، جمهوری اسلامی ایران را بر آن می‌دارد تا درصد کسب قدرت برای تأمین امنیت خود برآید. کشورها ممکن است با توجه به انگیزه ترس و حرص، اهداف سیاست خارجی خود را تعریف و تعقیب کنند؛ به طوری که کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران، به صورت عقلانی سیاست خارجی خود را به مبنای آمیزه‌ای از قدرت و منافع تدوین و اجرا می‌کنند. از این رو، جمهوری اسلامی ایران ممکن است، در قالب سیاست خارجی حفظ وضع و نظم موجود،

هدف بیشینه‌سازی امنیت را پیگیری کند، در نتیجه، جمهوری اسلامی ممکن است نه تنها برای موازنه‌سازی در مقابل از دست دادن قدرت و تحمل ضرر، بلکه همچنین برای کسب سود و منفعت به اتحاد و ائتلاف‌سازی دست بزند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۹۴-۲۷۵).

شرایط نظام بین‌الملل و نظام امنیتی خاورمیانه ایجاب می‌کند که جمهوری اسلامی به موازات توازن سازی داخلی، به موازنه‌سازی امنیتی دفاعی در سطح منطقه‌ای نیز مبادرت ورزد. جمهوری اسلامی ایران با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ که با رویکردی معترضانه نسبت به گفتمان مسلط بین‌المللی، نظام امنیتی دوستونی ایالات متحده آمریکا در منطقه را دگرگون ساخت، از آغاز حیات خود با تهدیدات جدی منطقه‌ای مانند ایجاد «شورای همکاری خلیج فارس» علیه جمهوری اسلامی ایران، حمله عراق به این کشور با حمایت حداکثری کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تحریم‌های گسترده‌ی سیاسی و اقتصادی روبه‌رو بوده است. جمهوری اسلامی ایران همانند هر کشور دیگری ناچار به اتخاذ سیاست خارجی در قبال کشورهای دیگر به‌خصوص در منطقه‌ی حیات خود یعنی خاورمیانه است. به لحاظ محیط امنیتی ایران باید به وجود پایگاه‌های نظامی متعدد در کشورهای پاکستان، افغانستان، عراق و استقرار نیروهای نظامی آمریکا در این کشورها، وجود اقلیت‌های قومی در کشورهای اطراف، تجمع دولت‌های شکننده در اطراف ایران و وجود گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی کشور اشاره کرد که می‌توانند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به‌ویژه در عصر جهانی شدن که باعث تضعیف مرزها و تقویت گروه‌های فروملی می‌شود، به خطر اندازند (دهشیری، ۱۳۹۴: ۷-۶).

خاورمیانه منطقه‌ای است مصداق بارز معمای امنیت در دیدگاه نواقح‌گرایی. در وضعیت معمای امنیتی، افزایش قدرت دفاعی یک کشور به معنای تهدید نظامی علیه کشور دیگر تلقی می‌شود و کشور دیگر را وادار به تقویت دفاعی می‌کند که باز برای کشور اولی تهدید نظامی محسوب می‌شود. در این حالت، گردش مسابقه تسلیحاتی در منطقه آغاز می‌شود. در وضعیتی که هیچ سازوکار نظام‌مندی برای مسائل امنیتی در منطقه خاورمیانه وجود نداشته، بر اساس اصل عدم اطمینان، سیاست دفاعی کشوری چون ایران نمی‌تواند دو اصل «خوداتکایی» و «اتحاد» را برای قدرت‌مندی، بازدارندگی و دفع تهدیدات نادیده بگیرد (کریمی، ۱۳۸۴: ۲۴-۲۳).

۲-۲. روابط ایران و سوریه: تبیین رویکرد نواقح‌گرایی

همان‌طور که مطرح شد، انگیزش بقا در نظام آنارشی مهم‌ترین محرک رفتاری دولت‌ها

در صحنه نظام بین‌الملل است. در همین راستا، دولت‌ها برای تأمین منافع و تضمین امنیت خویش، راهکارهایی همچون افزایش توان تسلیحاتی- نظامی، استراتژی اتحاد و ائتلاف را انتخاب می‌کنند. در واقع، دولت‌ها برای مقابله با قدرت ثالث به اتحاد و ائتلاف با هم روی می‌آورند. یکی از مشکلات اصلی امنیتی ایران در سیاست خارجی خود در خاورمیانه فقدان متحد استراتژیک دولتی به غیر از سوریه است. در این وضعیت بحران‌زای منطقه، سوریه به‌عنوان تنها متحد دولتی استراتژیک ایران می‌تواند نقش بسیار مهمی برای سیاست‌های امنیتی ایران بازی کند (سیمبر، ۱۳۹۳: ۱۷). وجود ترتیبات امنیتی متعددی در منطقه از جمله اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، ترکیه و ناتو، سازمان امنیت جمعی (روسیه و آسیای مرکزی)، سازمان همکاری شانگهای، پیمان گوم، سازمان انتخاب دموکراتیک، پیمان ناتو و ترتیبات فرعی آن در منطقه، قراردادهای دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای منطقه و قراردادهای نظامی و تسلیحاتی کشورهای منطقه با آمریکا وضعیت پیچیده‌ای را به وجود آورده است که ایران در هیچ‌یک از آن‌ها حضور ندارد. از این رو، وضعیت و محیط امنیتی خاورمیانه همواره تهدیدات مختلفی را برای ایران در برداشته است. در اینجاست که سوریه نقش خود را برای ایران آشکار می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۸). اتحاد جمهوری اسلامی با دولت سوریه در قالب نظریه موازنه تهدید قابل تبیین است. یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری و تداوم این اتحاد، تهدیدات مشترک دریافت‌شده برای دو دولت بود که موجب گسترش همکاری‌های سیاسی و امنیتی ایران و سوریه شد. کشورها در مقابل تهدیدات مشترک به موازنه‌سازی روی می‌آورند. ایران و سوریه نیز در دهه هشتاد با تهدیدات مشترکی چون عراق، اسرائیل و آمریکا مواجه بودند و برای مقابله با این تهدیدات مشترک با تشکیل اتحاد در مقابل آن به موازنه دست زدند تا قابلیت تهاجمی عراق، اسرائیل و آمریکا در خلیج فارس، شرق مدیترانه و خاورمیانه را علیه خود به حداقل برسانند.

پایه‌های دفاعی که زیربنای تشکیل اتحاد ایران و سوریه در اوایل دهه ۱۹۸۰ در راستای حمایت سوریه از ایران در جنگ هشت‌ساله و همچنین هم‌سویی دو دولت در مقابل حمله اسرائیل به لبنان تشکیل شده بود، هم‌چنان بعد از اتمام جنگ سرد نیز تداوم یافت. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، آمریکا حضور مستقیم خود را در خاورمیانه اعمال کرد و علاوه بر حضورش در خلیج فارس، مستقیماً وارد خاک افغانستان و بعد خاک عراق که همسایه مشترک ایران و سوریه است، شد. در واقع هرچه ایران و سوریه در طول دهه (۲۰۱۰-۲۰۰۰) از آمریکا دورتر می‌شدند، روابطشان با یکدیگر افزایش می‌یافت (جانسیز، ۱۳۹۵: ۲۶-۲۵).

۳. جایگاه سوریه در سیاست خارجی ج. ا. ایران

به جمع‌بندی پژوهش حاضر، علاوه بر این که سوریه تنها متحد استراتژیک دولتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است، موارد دیگری را می‌توان به شرح ذیل اضافه کرد:

الف. هم‌سویی با سیاست‌های ضدآمریکایی و ضد اسرائیلی در منطقه که از اولین دلایل نزدیکی دو دولت از وقوع انقلاب اسلامی در ایران است. سوریه اولین کشور عربی بود که جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت (مرادی، ۱۳۹۴: ۴۵).

ب. ژئوپولیتیک خاص سوریه در منطقه شاملت/بازدارندگی اسرائیل: ژئوپولیتیک سوریه در جبهه مقاومت در منطقه مهم شاملت و هم‌مرزی این کشور با اسرائیل، می‌تواند بزرگ‌ترین عامل بازدارنده برای حمله احتمالی اسرائیل به ایران محسوب می‌شود. اسرائیل می‌داند که در صورت حمله به خاک ایران، ضربه دوم ایران از مرزهای اسرائیل در خاک سوریه خواهد بود و این مسئله به لحاظ استراتژیک و نظامی به‌شدت اهمیت دارد (سیمبر، ۱۳۹۳: ۳۹).

ج. ژئوپولیتیک خاص سوریه در شرق مدیترانه: موقعیت سوریه در شرق مدیترانه و مسیر خاکی به این کشور از طریق عراق، وابستگی ایران را برای صادرات انرژی به خلیج فارس، به کانال سوئز و ترکیه می‌تواند تقلیل دهد (نجات، ۱۳۹۲: ۱۹). اتصال زمینی ایران به سوریه از طریق عراق به همراه نفوذ گسترده در این کشورها، مسیرهای گسترده‌ای بااهمیت‌های نظامی و اقتصادی را برای ایران به همراه دارد. ایران از این مسیرها نه‌تنها به شرق مدیترانه دست می‌یابد، بلکه مسیرهای حمل‌ونقل حمایت‌های ایران به لبنان نیز به‌شدت تسهیل می‌شود. از طرفی، این مسیر استراتژیک، نیروهای نظامی ایران را قادر می‌سازد تا نفوذ خود در نزدیکی منطقه مهم استراتژیک بلندی‌های جولان و دیگر مناطق مرزی اشغالی اسرائیل را تثبیت کنند.

د. حمایت هر دو کشور از محور مقاومت و گروه‌های مبارز فلسطینی و حزب‌الله لبنان: کشور سوریه به‌عنوان خط مقدم جبهه مقاومت در برابر رژیم اسرائیل و پل ارتباطی با حزب‌الله لبنان است (آجرلو، ۰۹۳۱: ۸۵-۱۶ و نطاق پور، ۲۹۳۱: ۳۴-۲۱).

برای روشن‌تر شدن اهمیت سوریه در سیاست خارجی ایران، بهتر است به بررسی مفهوم عمق استراتژیک بپردازیم. عمق استراتژیک به معنای فاصله بین خط مقدم محتمل و مناطق مهم نظامی، سیاسی و اقتصادی است. عمق استراتژیک نقطه قوت یک کشور و نقطه تهدید برای کشور رقیب محسوب می‌شود. ایفای نقش مهم بازدارندگی در منطقه در مقابل دشمن، حضور در مناطق حیاتی و مشرف دشمن، نقطه مهم برای دفاع از خود در مقابل کشور متخاصم با ضربه دوم از مشخصه‌های این مفهوم محسوب می‌شود (اکبری، ۱۳۸۷: ۸-۹). عمق استراتژیک

کشورها در تأمین امنیت ملی نقش به‌سزایی دارد. به‌عبارت‌دیگر، کشوری که در نقاط مختلف دارای عمق راهبردی است، به تهدید کمتری مبتلا شده و در نتیجه برای تأمین امنیت ملی، هزینه کمتری متحمل می‌شود. عمق استراتژیک به معنای توان‌مندی بازیگر در جذب یک حمله به درون خاک خود است؛ به‌طوری‌که بتواند زیرساخت‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و صنعتی‌اش را از آسیب محفوظ نگه دارد (بولدینگ و ایستون، ۱۹۹۹: ۶۳-۶۱). کشوری که در بین همسایگان‌اش دارای نفوذ چشم‌گیری باشد، کمتر تهدید می‌شود و هزینه کمتری برای تأمین امنیت محیطی می‌پردازد. تکیه‌گاه هر کشوری عمق راهبردی آن است و هر چه عمق راهبردی یک کشور در بین سایر بازیگران بیشتر باشد، توانایی بیشتری برای تصمیم‌سازی و ایجاد ائتلاف در جهت دلخواه خود دارد. در نتیجه، منافع (مادی و معنوی) خود را با هزینه کمتر و به‌صورت ناملموس به دست می‌آورد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲).

به تحلیل پژوهش حاضر با توجه به مفروضه‌های استخراج‌شده از مفهوم عمق استراتژیک، سوریه عمق استراتژیک نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه محسوب می‌شود: موقعیت ژئوپولیتیک بسیار مهم، همسایگی با اسرائیل به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید جمهوری اسلامی ایران، توانایی تأثیرگذاری در تحولات لبنان و حمایت از حزب‌الله، نزدیکی به غزه و حماس. بالا بردن قابلیت نفوذ ایران در منطقه شامات و رصد اقدامات اسرائیل، شرایط مناسب برای دفاع نامتقارن، منطق ژئوپولیتیک و اعمال بازدارندگی از جمله دلایلی است که نشان می‌دهد سوریه از عمق استراتژیک منطقه‌ای برای ایران برخوردار است.

۴. بحران سوریه: قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای

امروز دیگر برای همه روشن شده که آنچه در سوریه می‌گذرد، در حقیقت برخورد قدرت‌های رقیب در خاورمیانه و قدرت‌های فرمانطقه‌ای است. این قدرت‌ها هر کدام اهداف و منافع گوناگونی را در عرصه تحولات سوریه دنبال می‌کنند، اما طبق تحلیل پژوهش حاضر، با بررسی اهداف هر یک از قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در بحران سوریه می‌توان دریافت که منافع کشورهایی چون آمریکا، اسرائیل، عربستان و ترکیه در سوریه، در یک زمینه به سطح بالایی از هم‌پوشانی رسیده است. امریکا به دنبال تضعیف جبهه مقاومت به نفع اسرائیل است، اسرائیل به دنبال تضعیف سوریه و تقویت امنیت خود است، عربستان به دنبال گسترش نقش آفرینی و گسترش گفتمان سیاسی سنی-سلفی در منطقه است و در نهایت، ترکیه گسترش نفوذ در خاورمیانه و اعاده گذشته تاریخی امپراتوری عثمانی خود را دنبال می‌کند. در این میان،

جلوگیری از گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی ایران و تضعیف این کشور، فصل مشترک انگیزه‌های بازیگران فوق است. انزوای سوریه و بی‌اثر کردن نقش بازیگری دمشق در تحولات منطقه، خارج کردن سوریه از ردیف کشورهای هم‌سو با ایران و روسیه، تضعیف مقاومت حزب‌الله لبنان با حذف منابع حمایتی و پشتیبانی آن، تضعیف جبههٔ محور مقاومت، تضعیف ج.ا. ایران در مناسبات منطقه‌ای از اهداف مشترک ایالات‌متحده با دیگر کشورهای محور محافظه‌کار در بحران سوریه محسوب می‌شوند. (ناجی، ۱۳۹۴: ۲۴).

روسیه که از مهم‌ترین بازیگران در بحران سوریه است، همانند ایران به دنبال حفظ مواضع خود در موازنهٔ قدرت در منطقه وارد عرصه تحولات سوریه شده است. نگرش هر دو کشور به تحولات کنونی سوریه را باید در نگرانی مشترک از گسترش دامنه نفوذ آمریکا و جهان غرب در منطقه استراتژیک خاورمیانه دانست (حقیقی، ۱۳۹۵: ۲۵). در راستای رقابت روسیه با آمریکا و غرب و همچنین سیاست‌های ستیزه‌جویانه متقابل بین ج.ا. ایران و آمریکا در صحنه تحولات سوریه، دو کشور روسیه و ایران، بر حفظ منافع در منطقه با ابقای وضع موجود در سوریه تأکید دارند. بدین ترتیب، مسکو و تهران در سوریه دچار اشتراک منافع شده‌اند.

۴-۱. ایران و بحران سوریه: تبیین رویکرد نواقح‌گرایی

دو مفهوم امنیت و موازنه قوا در تبیین منطق حضور ایران در بحران سوریه کمک به‌سزایی می‌کند. به تعریف باری بوزان، امنیت به معنای رهایی از تهدید، نبود تهدید، توان دولت‌ها جهت حفظ هویت مستقل ارضی، برخورداری از وضعیت ایمن و مطمئن در برابر خطرات و تهدیدات است. امنیت برای هر دولت - ملتی از اهمیت خاصی برخوردار است. امنیت ملی از دید هر رویکرد سیاسی (واقع‌گرایی، لیبرالیسم، انتقادگرایی و غیره) از اهداف حیاتی دولت‌ها محسوب می‌شود، چراکه دستیابی به دیگر اهداف ملی از جمله توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، افزایش قدرت و اقتدار، ثبات و مشروعیت و هرگونه هدف کلان دیگری در گرو حصول امنیت ملی است (ساعی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۱). به تقسیم‌بندی باری بوزان، امنیت به‌صورت موسع در ۵ بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی قرار می‌گیرد و با توجه به موضوعیت این پژوهش، تنها به دو بعد آن می‌پردازیم. در امنیت نظامی که به حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله نظامی و یا آمادگی روبرویی برای دفاع و مقابله با هر تهدید یا حمله‌ای گفته می‌شود، هدف مرجع امنیت دولت است؛ هر چیزی که بقاء دولت را به خطر بیندازد، تهدید جدی تلقی می‌شود. در امنیت سیاسی، هدف مرجع امنیت حاکمیت است. حاکمیت مشتمل است بر ایدئولوژی،

قواعد تشکیل‌دهنده آن و هویت ملی و نهادهایی که نمود آن هستند؛ بنابراین هر چیزی که اقتدار ایدئولوژی و نهاد را با خطر مواجه سازد، تهدید تلقی می‌شود (باری بوزان و بیورر، ۱۹۹۸: ۵۹). بدین ترتیب، با توجه به این که سوریه عمق استراتژیک ایران در خاورمیانه محسوب می‌شود و همچنین علوی بودن دولت سوریه که در حفظ گفتمان سیاسی شیعی در برابر گفتمان سیاسی سنی در منطقه، سوریه را از اهمیت ایدئولوژیک برخوردار ساخته است، تهدید امنیتی در این منطقه، تهدیدی برای امنیت و بقای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

مفهوم دیگر موازنه قواست. بروز هرگونه رخدادی در درون یا بیرون یک مجموعه امنیتی می‌تواند به دگرگونی در توزیع قدرت، نظام امنیتی، نقش و جایگاه بازیگران یا تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در درون مجموعه امنیتی منجر شود. چون برآمد این تحولات زمینه وارد شدن و نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای را در داخل مجموعه امنیتی فراهم می‌کند؛ بنابراین بحران کنونی سوریه ممکن است منجر به تحولات ساختاری جدی و گسترده‌ای در مجموعه امنیتی خاورمیانه شود. دولت‌ها همواره به دلیل هراس از تهدید بقا و امنیت خود از طریق بسیج و به‌کارگیری منابع داخلی یا تشکیل اتحاد و ائتلاف می‌کوشند از قدرت‌یابی رقبای منطقه‌ای و جهانی خود جلوگیری کنند و به همین دلیل به موازنه‌سازی در خارج و در منطقه اقدام می‌کنند (martin, 2002: 50). جمهوری اسلامی ایران نیز به فراخور نقش خود در خاورمیانه در معرض این رقابت‌ها قرار دارد. تلاش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نقش‌آفرینی در تحولات جاری در سوریه، گویای آن است که رقیبان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران طرح گسترده‌ای را برای تضعیف گروه‌ها و حکومت‌های طرفدار ایران در دست اجرا دارند. کاهش نفوذ و تحدید عمق استراتژیک ایران در منطقه مهم‌ترین تهدیدی است که از شرایط موجود برای ایران ایجاد می‌شود و می‌تواند به‌شدت منافع و امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد. پس جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه تلاش می‌کند موازنه قوا در منطقه را به نفع خود نگه دارد (مرادی، ۱۳۹۴: ۳۶).

۵. دیدگاه‌های مخالف و چالش‌های ایران در بحران سوریه

تمرکز دیدگاه‌های مخالف حضور ایران در بحران سوریه بر چندین مورد متفاوت قرار دارند. در سطح داخلی این دیدگاه‌ها غالباً از افکار عمومی برخی از اқشار جامعه و منتقدان دولتی سیاست خارجی ج. ا. ایران نشأت می‌گیرد (برزگر، ۱۳۹۶). در سطح خارجی عمده این مخالفت‌ها از طرف دولت‌های رقیب منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی و رسانه‌های بزرگ خبری

غربی و عربی مطرح می‌شود (سمیعی پنجی، ۴۹۳۱). در سطح داخلی، قسمتی از افکار عمومی هیچ ضرورتی برای دخالت ایران در بحران مذکور نمی‌بینند و معتقدند این بحران یک مسئله داخلی سوریه است و ایران در آن جا نباید حضور داشته باشد (امیدی، ۵۹۳۱). گروهی دیگر پیکان اعتراض خود را به سمت حمایت‌های مالی و مادی ج.ا.ایران به دولت سوریه گرفته‌اند و معتقدند با توجه به شرایط نابسامان داخلی ایران، وجود تحریم‌های اقتصادی و معضلات اقتصادی و اجتماعی، این حمایت‌ها، توجهات و هزینه‌های مذکور باید صرف امور داخلی کشور شوند (سلیمی، ۱۳۹۷ و Deutsche welle, 2015). انتقادهای دیگر، حمایت ایران از سوریه را باعث افزایش تنش بین ایران با رقیبان منطقه‌ای‌اش، احتمال رویارویی نظامی با اسرائیل و نهایتاً افزایش بی‌ثباتی در منطقه می‌دانند (Fulton, 2016: 27 و azoobandi, 2014: 16).

حال باید توجه داشت که همواره در طول تاریخ و در دهه‌های گذشته حضور نظامی کشورهای نظیر آمریکا، روسیه، بریتانیا و فرانسه در جنگ‌های گوناگون فرامرزی انتقادهای شدیدی را در این کشورها در پی داشته است. به‌ویژه طولانی شدن جنگ‌ها منجر به تحمیل هزینه‌های مالی گزافی به مالیات‌دهندگان این کشورها شده است. امروزه نیز دولت‌ها در سراسر جهان برای حفظ منافع و امنیت خود، از متحدان استراتژیک خود حمایت می‌کنند (solomom, 2017). تنها در منطقه پرتنش خاورمیانه نمونه‌های زیادی از حمایت‌های استراتژیک دولت‌ها وجود دارد. حمایت‌های گسترده و همه‌جانبه آمریکا از اسرائیل، حمایت‌های عربستان از کشورها و گروه‌های سنی در منطقه، حمایت ترکیه از قطر در بحران اخیر این کشور، حمایت قطر از اخوان المسلمین در منطقه، حمایت‌های مصر، امارات و بحرین از عربستان در حمله به یمن از جمله مثال‌های متعدد ادعای اخیر است. جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. ایران هم‌اکنون در دو جنگ در کشورهای عراق و سوریه شرکتی فعال دارد. حراست از امنیت و منافع ملی کشور برای ایران، موجب شده تا نیاز باشد که هزینه‌های نظامی برای جنگیدن و دفاع از مرزها و مناطقی که برای ایران مهم هستند در نظر گرفته شود (عطاری، ۵۹۳۱: ۸۰۱).

برخی حمایت جمهوری اسلامی ایران از دولت سوریه را موردانتقاد قرار می‌دهند و هشدار می‌دهند که باعث شکل‌گیری یک ائتلاف از کشورهای همچون اسرائیل، ترکیه، عربستان و قطر علیه ایران شده است و احتمال رویارویی نظامی با اسرائیل را بالا برده است که این امر به زیان منافع ملی و امنیت ایران است (shahidsales, 2018). قطعاً حمایت ایران از سوریه هزینه‌هایی داشته است، اما این تصور که ائتلاف شکل گرفته در منطقه علیه ایران نتیجه موضع ایران در قبال سوریه است، کاملاً صحیح نیست. اسرائیل که همواره مهم‌ترین دشمن رسمی جمهوری اسلامی

در منطقه محسوب می‌شود. عربستان که مهد افراط‌گرایی سنی-وهابی است، در بهترین دوران سیاست خارجی خود در قبال ایران، سیاست ترک مخاصمه را دنبال کرده است و همیشه حس رقابت رهبری بین این دو کشور در طول چهار دهه گذشته وجود داشته است. ترکیه که عضو ناتو است و خود را قدرت منطقه‌ای می‌داند، هرگز از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون هم‌پیمانی استراتژیک با ایران نداشته است. اگرچه قطر در سیاست‌هایش به دلیل دارا بودن میدان‌گازی مشترک با ایران، رفت‌وآمدهایی با ایران داشته است، اما در عین حال یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور قرار دارد و این کشور از بزرگ‌ترین حامیان اخوان المسلمین در منطقه محسوب می‌شود (متقی، ۱۳۹۴: ۱۹-۱۸). پس این کشورها همگی در بهترین حالت، رقیبان امنیتی منطقه‌ای جمهوری اسلامی به حساب می‌آیند.

طبق گفته‌های مقامات جمهوری اسلامی، «اگر در سوریه ن‌جنگیم باید در مرزهای خود بجنگیم» و این گفته واقعیتی است؛ زیرا با توجه به شرایط بحرانی منطقه، اکثر کشورهای همسایه ایران درگیر بحران، بی‌ثباتی و ناامنی هستند و ایران از جمله معدود کشورهای منطقه است که از ثبات و امنیت، به معنای سنتی آن برخوردار است (رضازاده و نجفی، ۱۳۹۱: ۵۶۱). حراست از امنیت مرزهای کشور بزرگ‌ترین چالش پیش روی ایران است. جمهوری اسلامی که از سوی آمریکا بارها تهدید به «گزینه نظامی روی میز است» شده، برای حفظ امنیت خود راهی جز ایجاد بازدارندگی علیه متحد استراتژیک آمریکا در منطقه یعنی اسرائیل که تنها کشور مجهز به سلاح اتمی در منطقه است، ندارد که از آن به‌عنوان بازدارندگی غیرمستقیم یا دوجانبه یاد می‌شود (فریدمن، ۲۰۰۴: ۷۲). جمهوری اسلامی به‌خوبی آگاه است که با توجه به تحولات اخیر خاورمیانه که کوچک‌ترین ناآرامی و بی‌ثباتی در کشورهای این منطقه عامل حمله نظامی کشورهای خارجی و تداوم بی‌ثباتی و ناامنی در آن کشورها خواهد بود، بیش از هر موقع باید برای افزایش قدرت و نفوذ خود در منطقه برای حفظ امنیت ملی و بقا نظام سیاسی‌اش تلاش کند. یکی دیگر از دلایل این وضعیت، این است که کشورهای بحران‌زده منطقه نه تنها با جنگ داخلی بلکه با پدیده‌ای به نام افراط‌گرایی و خشونت‌ساختاری روبه‌رو هستند که از مشی ایدئولوژیک برخوردارند که در آن شیعه به‌عنوان «دیگری» مسلمانان محسوب می‌شود. ایران به‌عنوان تنها کشور با مذهب رسمی شیعه برای محافظت از مرزهای خود، از هرگونه دفاع خارج از مرزهایش استقبال می‌کند (تقی زاده داوری، ۱۳۹۴: ۱۶۸). تمامی منتقدین حمایت جمهوری اسلامی از دولت سوریه باید این موضوع را درک کنند که ایران به دلایل گوناگون ایدئولوژیک، استراتژیک و ژئوپلیتیک در سوریه برای حفظ موقعیت، منافع و امنیت ملی‌اش در منطقه درگیر یک جنگ

نیابتی) است و مسلماً هر جنگی هزینه خواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود در سوریه هزینه‌های مادی و معنوی زیادی متحمل شده است و احتمالاً در آینده نیز برای حفظ موقعیت خود باید بپردازد، اما باید اهداف و منافع سیاست خارجی ایران را در یک قالب کلی و درازمدت با توجه به تحولات خاورمیانه ارزیابی کرد.

۱-۵. عواقب عدم حمایت از دولت سوریه برای ج. ا. ایران

حال پس از بررسی منطق حضور ایران در سوریه، تبعات عدم حمایت جمهوری اسلامی از بشار اسد و سقوط این دولت مورد بررسی قرار می‌گیرند:

الف. دولت جایگزین: یکی از سناریوهای پیش روی آینده سوریه روی کار آمدن اسلام‌گرایان سلفی است. با توجه به جمعیت بالای اهل سنت در سوریه و حضور و فعالیت‌های بعثی‌ها در این کشور، جریان مسلحی که در سوریه بر ضد حکومت می‌جنگند، اکثراً سلفی و یا تحت حمایت موج سلفی‌گرایی در منطقه است. پس با سقوط حکومت اسد در سوریه، جمهوری اسلامی نه تنها یک متحد استراتژیک در منطقه را از دست می‌دهد، بلکه به عده کشورهای رقیب و مخالف‌اش در منطقه افزوده خواهد شد (ناجی، ۱۳۹۴: ۱۹). یکی دیگر از سناریوهای پیش روی آینده سوریه روی کار آمدن نظامی است که با گروه محافظه‌کار منطقه، غرب و اسرائیل هم‌سو باشد. نظام احتمالی آینده تلاش خواهد کرد به مخالفت با سیاست‌های خاورمیانه‌ای ایران بپردازد (صادقی، ۱۳۹۴: ۳۱). در هر صورت هیچ تضمینی وجود ندارد که حکومت جدیدی که در دمشق قدرت را به دست گیرد، روابط خود را با جمهوری اسلامی چگونه ادامه دهد.

ب. ژئوپلیتیک متزلزل عراق: عراق از زمان سقوط صدام و با روی کار آمدن دولت شیعی، منطقه نفوذ ایران شد و ایران هر ساله قدرت‌نمایی عظیمی در مراسم‌های عاشورا و اربعین در شهرهای مذهبی شیعی این کشور انجام می‌دهد؛ اما به دلیل وضعیت ژئوپلیتیک کماکان متزلزل عراق، از دست دادن مرزهای غربی عراق با سقوط بشار اسد در سوریه و تقلیل احاطه ایران در مناسبات این کشور، منطقه نفوذ رقیبان جمهوری اسلامی در این کشور افزایش یافته و حتی عمق استراتژیک اسرائیل به واسطه حضور آمریکا در این کشور و نفوذش میان اقلیم خودمختار کردستان تا مرزهای غربی ایران امتداد می‌یابد (قادری کنگاوی، ۱۳۹۴: ۲۸۶-۲۸۳). این موضوع با برگزاری فراندوم استقلال در کردستان عراق، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است.

ج. ژئوپلیتیک ترکیه: ترکیه که خود از مهم‌ترین رقیبان منطقه‌ای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، در دهه نود میلادی یک میثاق نظامی با رژیم اسرائیل امضا کرد که مورد انتقاد شدید

دولت‌های ایران و سوریه قرار گرفت. طبق این میثاق، اسرائیل اجازه ورود به خاک ترکیه را دارد و می‌تواند از خاک ترکیه برای عملیات نظامی و جنگی استفاده کند (خلیل پور، ۱۳۹۵: ۶۳). حال با فروپاشی نظام حاکم در سوریه، اسرائیل می‌تواند در صورت برقراری روابط استراتژیک با ترکیه، از بلندی‌های جولان تا مرزهای شمال غربی ایران را عمق استراتژیک خود قرار می‌دهد و این مسئله از لحاظ ژئوپولیتیک و استراتژیک تهدید بزرگی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب خواهد شد.

د. تضعیف محور مقاومت: از لحاظ ژئوپولیتیک، کشور لبنان وسعتی به‌اندازه استان چهارمحال بختیاری دارد و کل مساحت نوار غزه به‌اندازه شهر تهران نیست. لذا اشراف اسرائیل از جهت اطلاعاتی، هوایی و امنیتی بر این دو منطقه کوچک قطعی است. از این لحاظ است که گفته می‌شود سوریه عقبه محور مقاومت حساب می‌شود. سوریه که به لحاظ مساحتی، ساختار سیاسی علوی حاکم و سیاست متخاصم با اسرائیل، از اهمیت ویژه‌ای در محور مقاومت برخوردار است، سقوط رژیم کنونی سوریه به‌عنوان متحد اصلی ایران، باعث پاره شدن حلقه‌ی اصلی ارتباط بین جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان و حماس می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۲۴). این به معنای انزوای جمهوری اسلامی و تضعیف شدید محور مقاومت در منطقه است و باعث تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع رقبای ایران از جمله عربستان، ترکیه و اسرائیل می‌شود.

۶. پیامدهای حمایت ایران از دولت سوریه

حال با گذشت بیش از شش سال از بحران سوریه، حمایت گسترده جمهوری اسلامی از دولت سوریه، تبعات سیاسی و امنیتی متعددی به بار آورده است. در سطح داخلی به‌جرئت می‌توان گفت که تاکنون حمایت‌های ایران از سوریه موجب شده است که بشار اسد بتواند در برابر فشارهای شدید بین‌المللی، قدرت‌های غربی، بسیاری از کشورهای عربی و همچنین ترکیه مقاومت کند و نسبتاً پیروز جنگ شود. سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در سوریه سبب شده است که مخالفان بشار اسد که از حمایت‌های گسترده مالی، سیاسی و نظامی - تسلیحاتی قدرت‌های خارجی برخوردارند، طی شش سالی که از شروع بحران در سوریه می‌گذرد، نتوانند در فروپاشی دولت بشار اسد و نابودی محور مقاومت در منطقه موفق شوند (متقی، ۱۳۹۴: ۲۳). به‌رغم اتحاد کم‌سابقه بازیگران غربی و کشورهای محافظه‌کار عربی در حمایت از مخالفان مسلح حکومت اسد، نیروها نظامی و امنیتی سوریه هنوز به اسد وفادار هستند و شاید حداقل نیمی از مردم این کشور ادامه‌ی حکومت فعلی را بهتر از هر گزینه‌ی

دیگری می‌دانند زیرا با وجود مخالفان افراطی و نیروهای خارجی، بشار اسد فعلاً تنها گزینه‌ی مناسب حکومت است (کیایی، ۱۳۹۱: ۲۸). چیز مسلم این است که وضعیت این کشور هم‌اکنون از حالت بحرانی و فاجعه‌آمیز خارج شده و بشار اسد آماده بازسازی کشور است. از طرفی، حمایت‌های جمهوری اسلامی از سوریه پیامدهایی برای ایران نیز در منطقه و جهان به بار آورده است. نقش ایران در بحران سوریه سبب شد که وجهه ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای و تأثیرگذار در حل بحران سوریه در مقیاس جهانی به معرض نمایش گذاشته شود (کریم‌خانی، ۱۳۹۵: ۳۲). ایران که در ابتدا در هیچ‌یک از نشست‌های بین‌المللی بحران سوریه حضور نداشت، نهایتاً کشورهای منطقه و جهان به این نکته واقف شدند که ایران که به درخواست رسمی دولت قانونی سوریه وارد این کشور شده است، به دنبال توسعه‌طلبی و دست‌اندازی به خاک سوریه نیست و درعین حال خطوط قرمزی در سوریه دارد که برگرفته از واقعیات میدانی است. در واقع سیاست‌های واقع‌گرایانه ایران سیر تحولات سوریه را به جایی کشاند که توانست حضور تأثیرگذار خودش در سوریه را به سیستم بین‌المللی بقبولاند و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تصمیم‌گیری برای آینده سوریه، صلح و آتش‌بس در این کشور محسوب شود (متقی، ۱۳۹۴: ۲۶-۲۷). موفقیت ارتش سوریه در تأمین امنیت قسمت‌های اعظمی از خاک سوریه، نشانه‌ای از تأثیر حمایت‌های ایران به سوریه است. از لحاظ ژئوپولیتیک، با حمایت ایران از سوریه، عمق استراتژیک ایران گسترش یافته و در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته است (چوگان، ۱۳۹۵: ۳۱-۳۰). بنابراین، هنوز مرزهای لبنان و سوریه به‌عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران در منطقه شامات و در مرزهای اسرائیل باقی مانده و تثبیت شده‌اند.

۶-۱. پیامدهای منطقه‌ای

حمایت ایران از سوریه پیامدهای منطقه‌ای نیز در برداشته است که در پژوهش حاضر به دو مورد مهم آن اشاره می‌شود.

۶-۱-۱. شکل‌گیری نظام امنیتی رقیب در خاورمیانه

به اعتقاد پژوهش حاضر، از مهم‌ترین پیامدهای حمایت جمهوری اسلامی از دولت بشار اسد، ایجاد یک اتحاد جدید منطقه‌ای در قالب کشورهای روسیه، ایران، عراق، سوریه و حزب‌الله لبنان است (حقیقی، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۴). این اتحاد که به‌واسطه مبارزه علیه داعش و ورود روسیه به عرصه تحولات سوریه و اشتراک منافع مسکو با تهران در منطقه شامات و مقابله با رقیب مشترک دو دولت یعنی ایالات متحده آمریکا شکل گرفته است، بزرگ‌ترین چالش سیاست‌های هژمونی

آمریکا در منطقه خاورمیانه که پس از اتمام جنگ سرد، بزرگ‌ترین تعیین‌کننده نظام امنیتی خاورمیانه به‌ویژه خلیج فارس بوده است، محسوب می‌شود. هم‌مسیر شدن روسیه در کنار ایران در بحران سوریه در مقابل محور عربی-غربی، علاوه بر بهره‌بری جمهوری اسلامی از حق و تو روسیه در شورای امنیت سازمان ملل، نظم منطقه‌ای خاورمیانه مبتنی بر سیاست‌های آمریکا و غرب را مورد چالش قرار داده است. همان‌طوری که می‌دانید منطقه خاورمیانه در طول تاریخ تحت تأثیر نظم منطقه‌ای تحمیل‌شده از یک قدرت فرا منطقه‌ای بوده است. تا قبل از شروع جنگ سرد، این نظم تحت تأثیر سیاست‌های بریتانیا در خلیج فارس رقم می‌خورد، بعدازآن با تضعیف این کشور در جنگ جهانی دوم، خاورمیانه تحت تأثیر رقابت دو ابرقدرت جهانی یعنی شوروی و ایالات‌متحده بوده است. در این دوره، سیاست دوستونی آمریکا به‌واسطه ایران پهلوی و عربستان از نمونه‌های این نظم منطقه‌ای محسوب می‌شوند. طبیعتاً بعد از فروپاشی شوروی خاورمیانه تابع نظم آمریکایی قرار گرفته است (غرایاق زندی، ۱۳۹۴). آنچه در راستای تحولات سوریه و قدرت‌گیری ایران و روسیه در منطقه به وجود آمده، متزلزل شدن نظم آمریکایی منطقه است. در حقیقت، به نظر می‌رسد خاورمیانه در آستانه پیدایش یک نظم امنیتی جدید و رقیب در منطقه است، نظامی که در آن روسیه، حداقل در مناسبات سوریه، نزدیک به محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران شده است. حضور پر قدرت روسیه و ج.ا. ایران در بحران سوریه پیام مهم اتمام دوران تک‌قطبی نظام بین‌الملل و شروع دوران چندقطبی و شکل‌گیری یک نظام امنیتی رقیب در خاورمیانه را می‌رساند؛ اما باید به این نکته توجه داشت که مسکو هیچ‌گاه متحد استراتژیک تهران نبوده است و از آنجایی که بر اساس رویکرد نواقعی‌گرایی دولت‌ها همواره به دنبال منافع نسبی خود هستند، جمهوری اسلامی باید از تغییرات احتمالی سیاست‌های آینده مسکو با توجه به روی کار آمدن ریاست جمهوری تندرو جدید در آمریکا، دونالد ترامپ، آگاه باشد.

۲-۱-۶. موازنه‌سازی عربستان سعودی

به اعتقاد پژوهش حاضر واکنش‌های شدید و خصمانه اخیر عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران در قالب نظریه موازنه قوا قابل تبیین است. با پیروزی نسبی جمهوری اسلامی و متحدان‌اش در بحران سوریه، موازنه قوا در خاورمیانه بار دیگر به نفع جمهوری اسلامی و متحدان‌اش در منطقه چرخیده است. طبق نظریه موازنه قوا، قدرت‌های منطقه‌ای هنگام مواجهه با افزایش قدرت، جایگاه و نفوذ یکی از بازیگران اصلی منطقه واکنش نشان می‌دهند. در راستای این واکنش، دست به تقویت خود، موازنه‌سازی علیه قدرت برتر و بر تخریب آن

برمی‌آیند. در همین راستا، عربستان برای جبران خسارت واردآمده بر مواضع خود در منطقه، به موازنه‌سازی می‌پردازد. امضای قرارداد تسلیحاتی با آمریکا به ارزش صد و ده میلیارد دلار، یارگیری برای اتحاد علیه جمهوری اسلامی ایران، تبلیغات گسترده ایران هراسی و شیعه هراسی در تمامی نشست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، تحریم قطر و تحت‌فشار قرار دادن دوحه برای قطع روابط با تهران و نزدیک شدن غیرمستقیم این کشور به اسرائیل، دشمن دیرینه اعراب، همگی نشان از تلاش عربستان برای افزایش قدرت، تغییر موازنه قوا و موازنه‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه دارد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر روشن شد که سوریه، به دلیل برخوردار بودن از عمق استراتژیک منطقه‌ای و اعمال بازدارندگی مقابل تهدیدهای موجود و ممکن منطقه‌ای به‌ویژه اسرائیل، جایگاه مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. پس طبیعی است که جمهوری اسلامی، مانند هر بازیگر بین‌المللی دیگری، برای حفظ مواضع‌اش در ژئوپلیتیک حساس شامات، از تنها متحد دولتی خود در بحران سوریه حمایت کند. هم‌چنین بررسی شد که علوی (شیعی) بودن دولت سوریه و نقش بسیار مهم این کشور در محور مقاومت، اهمیت سوریه را برای جمهوری اسلامی در راستای حفظ محور مقاومت و گفتمان سیاسی شیعی در منطقه در مقابل تهدید محور غربی-عربی محافظه‌کار و گفتمان سیاسی سنی-سلفی منطقه دوچندان کرده است. از آن جایی که بعد ایدئولوژیک مذکور رابطه مستقیمی با مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی در منطقه دارد، نتیجتاً به‌طور سلبی، بقا و امنیت ملی و به‌طور ایجابی افزایش قدرت، نفوذ و منافع ملی ج. ا. ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از طرفی، با توجه به ویژگی‌های نظام امنیتی خاورمیانه که یکی از مهم‌ترین و درعین حال پرتنش‌ترین و بحران‌آمیزترین مناطق دنیا محسوب می‌شود و از دید غالب کشورهای این منطقه، مفهوم امنیت، اهمیتی سنتی به معنای بقا و افزایش قدرت نظامی دارد و عدم رشد و توسعه سیاسی-اقتصادی در این منطقه باعث فقدان حس همکاری در اغلب دولت‌های این منطقه شده است. جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی همانند دیگر بازیگران منطقه‌ای، حفظ بقا و امنیت ملی خود را در اولویت‌های سیاست خارجی‌اش قرار داده است؛ اما از آن جایی که بر اساس نظریه معمای امنیت تلاش برای حفظ امنیت خود، تهدید برای دیگری محسوب می‌شود، رقابت‌های منطقه‌ای همواره در حال افزایش خواهد بود. پس در حقیقت، جمهوری اسلامی در محاسبه سود و زیان منافع ملی‌اش در تحولات منطقه، حفظ منافع، امنیت ملی، افزایش بازدارندگی و بقای نظام سیاسی‌اش را به رویارویی با رقیبان همیشگی خود در منطقه ترجیح داده است.

نهایتاً با بررسی شرایط بحران سوریه و منطق حضور جمهوری اسلامی ایران در این بحران، بررسی شد که اهمیت سوریه برای ایران نه‌تنها دارای ابعاد ایدئولوژیک اسلامی-شیعی و مقاومتی است، بلکه دارای ابعاد بسیار مهم ژئوپلیتیک، استراتژیک و امنیتی است. همچنین مشاهده شد که بحران سوریه به‌مثابه یک جنگ نیابتی بین ج. ا. ایران با کشورهای محور محافظه‌کار منطقه محسوب می‌شود که در صورت شکست در این جنگ، با توجه به شرایط بحرانی و تهدیدآمیز

منطقه، جمهوری اسلامی دچار انزوای شدید در منطقه شده و نتیجتاً توان دفاعی این کشور در مرزهایش به شدت تضعیف خواهد شد. بر این اساس، سوریه نه تنها عمق استراتژیک منطقه‌ای ج. ا. ایران محسوب می‌شود، بلکه حفظ موقعیت، جایگاه و نفوذ در سوریه و منطقه شامات، چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از لحاظ ژئوپلیتیک و استراتژیک، چنان با امنیت ملی و بقای جمهوری اسلامی ایران گره خورده است که به نظر می‌رسد رفتار این بازیگر در حمایت از سوریه، با تبیین رویکرد نوواقع‌گرایی، کاملاً مطابق با اصول روابط بین‌الملل و نظام امنیتی خاورمیانه باشد.

منابع

الف) منابع فارسی

- آجرلو، حسین. (۱۳۹۰). *تحلیلی بر جایگاه سوریه در حمایت از مقاومت، فصلنامه مطالعات فلسطین*، ۱۵: ۷۶ - ۵۷.
- آدمی، علی و کشاورز. (۱۳۹۴). *جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۲: ۱۹ - ۱۰.
- آدمی، علی. (۱۳۹۱). *انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، پروژه ایران هراسی دولت‌های عربی منطقه، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، ۱۳۹۱، ۱۶۰: ۲ - ۱۴۱.
- اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). *بحران سوریه و تاثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۵۰: ۱۷۸ - ۱۴۷.
- اسماعیلی، علی. (۱۳۹۳). *عوامل گسترش روابط سوریه با ایران از صعود بشار اسد به قدرت تا نآرامی‌های اخیر سوریه، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۹: ۱۶۴ - ۱۳۷.
- امیدی، علی. (۱۳۹۵). *فرسایشی شدن جنگ سوریه، خبرگزاری ایسنا*، ۱۲ دی ۱۳۹۵.
- امینی، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). *منافع آشکار و پنهان بازیگران منطقه‌ای در تحولات سوریه، سپهر سیاست*، ۱: ۷۷ - ۴۶.
- برزگر، جعفر. (۱۳۹۶). *تضعیف جایگاه ایران در افکار عمومی جهان، سرویس بین‌المللی فردا، سایت خبری فردا*، ۲۶ آذر، ۱۳۹۶.
- بشارتی، محمدرضا. (۱۳۹۵). *بررسی نقش قطر در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی*، ۸۰: ۹۲ - ۵۹.
- بلیس و اسمیت. (۱۳۹۲). *جهانی‌شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین، تهران: ابرار معاصر*.
- بوزان، باری. (۱۳۸۱). *خاورمیانه، ساختاری همواره کشمکش‌زا، فصلنامه سیاست خارجی*، ۳: ۶۸۸ - ۶۳۰.
- بیلگین، پینار. (۱۳۹۳). *امنیت منطقه‌ای خاورمیانه، تهران: ابرار معاصر*.
- پور احمدی میبیدی، حسین. (۱۳۹۴). *انواع مدل‌های اسلام سیاسی و تعامل آن‌ها با سیاست جهانی، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۳۳ - ۹.
- پوراحمدی میبیدی، حسین. (۱۳۹۲). *ارزیابی ابعاد حمله نظامی احتمالی به جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۱۱: ۲۰۵ - ۱۶۵.

- تقی زاده داوری، محمود. (۱۳۹۴). شیعه و مذاهب دیگر، حوزه‌های تعاملی و چالشی، فصلنامه شیعه شناسی، ۲: ۱۷۸-۸۰.
- جانسیز، احمد. (۱۳۹۳). رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۳۹۳: ۹۲-۶۷.
- جانسیز، احمد. (۱۳۹۵). سیر تحول همگرایی ایران و سوریه از آغاز هزاره سوم تا بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۳۶: ۶۵-۴۳.
- چوگانی، حسن. (۱۳۹۵). بررسی بحران داخلی سوریه و علل شکل‌گیری گروه‌های تروریستی، مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۱۶: ۲۱-۱.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). روابط ایران و کشورهای عربی پس از حمله آمریکا به عراق، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۶۲: ۹-۲۶.
- حسینی و دهشیری. (۱۳۹۴). تأثیر جهانی شدن بر معماری امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، ۲۵: ۹۲-۶۵.
- خلیل پور، محمد. (۱۳۹۵). منطق حضور ایران در سوریه، قم: موسسه دارالهیجره.
- درویشی سه تلانی، فرهاد. (۱۳۹۵). بررسی سازهانگاران و نئورئالیستی روابط راهبردی ایران و سوریه، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۳۵: ۸۶-۶۷.
- خسروی باب اناری، ملک تاج. (۱۳۹۶). رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳۹۶، ۳۹: ۵۸-۳۱.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۴). رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۴، ۱۵: ۷۸-۵۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۰). نواقح‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، ۲: ۲۹۸-۲۷۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۳). نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای، تهران: مخاطب.
- رضازاده و نجفی. (۱۳۹۵). جایگاه سوریه در سیاست خارجی ج.ا.ایران، سیاست دفاعی، ۱۹۰-۱۴۵.
- ساعی، احمد. (۱۳۸۹). ثبات هژمونیک و بحران در نظام اقتصاد جهانی، فصلنامه سیاست، ۳۲: ۱۶۰-۱۴۳.
- سلیمی، حسین. (۱۳۹۳). منافع ملی جمهوری اسلامی ایران: تداوم یا انقطاع حمایت از نظام کنونی سوریه، فصلنامه سیاست دفاعی، ۸۹: ۱۰۴-۷۱.

- سليمی، عبدالسلام. (۱۳۹۷). *افزایش انتقادات کارشناسان ایرانی از سیاست حضور در سوریه، تاثیر حملات شیمیایی دوما، خبرگزاری آنا تولی*، فوریه ۲۰۱۸.
- سمیعی پنجه، ندا. (۱۳۹۴). *دستاویزی به نام حقوق بشر، سرویس خبری کیهان، روزنامه کیهان، ۴ دی ۱۳۹۴*.
- سیمبر، رضا. (۱۳۹۳). *مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۹: ۱۷۸ - ۱۴۳*.
- شهرام نیا، امیر مسعود؛ مرادی، اسد اله. (۱۳۹۴). *امنیت منطقه‌ای ایران و بحران سوریه، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴، ۱۵: ۱۵۲ - ۱۲۵*.
- صادقی، سید شمس‌الدین. (۱۳۹۴). *تحلیل مواضع ایران در قبال سوریه، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۱۵: ۱۲۲۳ - ۱۴۴*.
- صادقی، شمس‌الدین. (۱۳۹۴). *بحران سوریه و مناقشه ژئوپولیتیک قدرت‌های منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۳۹۴، ۱۰۷-۱۲۸*.
- عباسی، مجید. (۱۳۹۴). *بحران سوریه و تبلور نظریه نوواقع‌گرایی، رهپاڤه انقلاب اسلامی، ۳۲: ۸۵-۱۳۴*.
- عزتی، عزت اله. (۱۳۸۷). *غرب آسیا نظام بین‌الملل و همگرایی منطقه‌ای، پژوهش‌سکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران*.
- عطاری، علیرضا. (۱۳۹۵). *تلاش‌های ایران: موازنه سیاسی با قدرت‌های خارجی، رهپاڤه تاریخی، ۱۴: ۹۵-۱۱۳*.
- علیزاده طباطبائی. (۱۳۸۷). *گسترش روابط ایران و سوریه: منافع متقابل و ثبات منطقه‌ای، ماهنامه رویدادها و تحلیل، ۲۲۴: ۸۱ - ۷۸*.
- علی محمدی، شیوا. (۱۳۹۶). *بررسی مشروعیت نظامی ایران در مخاصمه مسلحانه سوریه در پرتو اصول حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۳۹۶، ۱۶۱ - ۱۸۹*.
- فریدمن، لارنس. (۱۳۹۰). *بازدارندگی، تهران: پژوهش‌سکده مطالعات راهبردی*.
- قادری کنگاوری، روح‌الله. (۱۳۹۴). *نظریه مقاومت و نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: مخاطب*.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۴). *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: میزان*.

- کامروا، مهران. (۱۳۹۱). **خاورمیانه معاصر**، تهران: قومس.
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۴). **محیط امنیتی خاورمیانه و سیاست دفاع جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه سیاست دفاعی، ۵۳: ۵۸ - ۲۹.
- کریمخانی، احد. (۱۳۹۵). **بررسی نقش آمریکا در بحران سوریه و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶)**، مجله مدیریت و پژوهش های دفاعی، ۵: ۱۱۰-۷۳.
- کیایی، مهرداد. (۱۳۹۱). **بحران سوریه: ویژگی ها و تفاوت ها، ماهنامه رویدادها و تحلیل ها**، ۳۲: ۲۶۹-۲۵.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۹۴). **بررسی سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه**، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، ۲۴-۶.
- مرادی، اسدالله. (۱۳۹۴). **بحران سوریه و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، ۴۵: ۱۳۹۴: ۵۴-۷۱.
- مصلى نژاد، عباس. (۱۳۹۰). **تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی**، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، ۱: ۱۵۸ - ۱۳۱.
- مورگنتا، هانس. (۱۳۷۲). **سیاست میان ملت ها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ناجی، ناصر. (۱۳۹۴). **آینده سیاسی و منافع استراتژیک ایران**، فصلنامه جغرافیای سرزمین، ۴۵: ۶۶-۵۱.
- نجات، سید علی. (۱۳۹۶). **بحران سوریه و بازیگران منطقه ای**، تهران: ابرار معاصر.
- نجات، علی. (۱۳۹۲). **بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه**، پژوهش های سیاسی، ۸: ۴۹-۲۹.
- نطاق پور، مهدی. (۱۳۹۲). **نقش اخوان المسلمین، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، مدیریت و پژوهش های دفاعی، ۷۱: ۱۲۶-۹۹.
- نیاکویی، امیر. (۱۳۹۱). **بازیگران معارض در بحران سوریه**، فصلنامه مطالعات روابط خارجه، ۱۶: ۱۳۹۱: ۵۱-۲۸.
- نیاکویی، سید امیر. (۱۳۹۴). **ماهیت راهبرد عربستان سعودی علیه انقلاب اسلامی ایران در منازعات سوریه و عراق**، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، ۱۷: ۱۱۰ - ۹۵.
- هتنه، بیوردن. (۱۳۹۱). **منطقه گرایی نوآینده امنیت و توسعه**، تهران: وزارت امور خارجه.

هينه بوش، ريموند. (۱۳۹۰). سياست خارجي كورهاي خاورميانه، تهران: دانشگاه امام صادق.

يونيسف. (۱۳۹۵). بيانيه فاجعه حقوق بشري در سوریه، صندوق کودکان ملل متحد، ۱۵ آذر ۱۳۹۶.

ج) منابع انگلیسی

Al Samadi, Fatima. (2014). *Implications of The Syrian War On The Iranian Economy Irans Nuclear: The Future of Re-Extention*, **AlJazira Center For Studies**, 2014 – 12.

Bazoobandi, sara. (2014). *Iran regional policy: Intrests and Challenges*, **ISPI Analysis**, NO.275, nov, 2014.

Brafri, Barak. (2016). *The Real Reason Why Iran Backs Syria*, **The National Interest**, January.

Buzan, Barry. (2003). **Regions and Powers: The structure of International Security**, New York, Cambridge University Press.

Chatham, House. (2014). *Syria and it neighbours: regional dimensions of the conflict*, **Middle east and North Africa Summary**.

Dark, Edward. (2013). *Rise of Islamic front a disaster for Syria*, **Al-monitor.com,en,originals**, 2013-12.

Deutsche Welle. (2015). *Iran Struggle with Syrian war's Costs*, **DW.com**, jan, 22, 2015.

Friedman, Goerge. (2011). *Syria, iran and the balance of power in the middle east*, **Stratfor**, 22 November 2011.

Fulton, Will. (2016). **Iranian Strategy in Syria**, joseph holiday and sam wyer, 2016, middle east security project, united states.

Hanauer, Lary. (2016). *Israel's intrests and options in Syria*, **Land.org/Content/perspectives/185**.

Hokayem, Emile. (2012). *Syria and its neighbours survival*, **Global**

politics and strategy, Vol, 54-2.

Johnson, M. (2011). *Hidden influences The Iranian Street Opinion of Tehran s Role in the Syrian Crisis*, **Swedish Defence Research Agency**, Report No. 4947.

Morgan, Jack. (2015). *Iran and Syria: Shia Governments*, **A Quarterly Journal Of Political Research**, Summer 2015, pp 61-99.

Mukarram, Ranina. (2013). *Iran Foreign Policies on Syrian Crisis*, **Digital Journal.com/ politics,Articles**, 330669-6.

Phenomena, Brian Barry, **Power and political Theory**, London: wiley

Segabor, Kareem. (2014). *Iran, the first suspect of Syrian Conflict*, **international Al Peace, AlWatan**, 2014-21.

Shahidsales, Shahir. (2018). *Iran Facing Israel in Syria war*, **Middle East Eye**, Columns, feb,16, 2018.

Smith, Ben. (2012). *Syria: no end in sight*, **House of Commons Library**, Research Briefings, RP 12-48.

Solomon, Jay and Nour Malas. (2011). *Syria would cut iran Military Tie*, **Opposition Head, WSJ.com**, December second, SB100142 – 194.

Solomon, Erika. (2017). *Iran Faces Uphill Battle in Syria War*, **Financial Times**, Beirut, Feb, 14, 2017.

Varghese, Johnlee. (2013). *Syrian Crisis and the Irans Economic Sanctions*, **Leaflets by the Middle east Center for strategic and international studies**, London, 2013, 671.

Zarif, Mohammad javad. (2015). *Peace in Syria is vital: and its within our grasp*, **The Gaurdian**, 2015, December 18.